

## مقاله پژوهشی: امکان‌سنجی ایجاد رژیم امنیت دسته‌جمعی در منطقه غرب آسیا (موانع و ظرفیت‌ها)

20.1001.1.24234621.1401.12.47.1.3

محمدرضا حسینی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

### چکیده

کشورهای غرب آسیا به دلیل مواجهه با معضلات امنیتی متنوع، نیازمند سازوکاری برای برون‌رفت از این وضعیت هستند که از جمله می‌توان به تأسیس یک رژیم امنیت دسته‌جمعی اشاره کرد. در این پژوهش تلاش بر این است تا با شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های فراروی کشورهای منطقه به این سؤال‌ها پاسخ دهیم که رژیم امنیت دسته‌جمعی چیست و آیا بسترهای ایجاد یک رژیم امنیت دسته‌جمعی در این منطقه وجود دارد؟ متغیرهای محیطی و عوامل همگرا یا واگرا برای ایجاد چنین رژیمی کدامند؟ برای پاسخ به این سؤالات با استفاده از پارادایم تفسیری و بهره‌گیری از روش‌های محیط‌شناسی و تحلیل مضمون، تلاش شد تا ضمن تحلیل داده‌ها، مؤلفه‌های دخیل در مسئله پژوهش تعیین شود؛ از این‌رو هدف اصلی این پژوهش شناخت عوامل مؤثر، ظرفیت‌ها و توانایی‌های کشورهای منطقه در تأسیس یک رژیم امنیت دسته‌جمعی است؛ بر این مبنای تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع توسعه‌ای- کاربردی است. بررسی اسناد و مدارک و تجزیه و تحلیل محیط ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که دستیابی به سازوکار واحد برای تأمین نیازهای امنیتی کشورهای غرب آسیا یکی از اولویت‌های مهم منطقه‌ای است و در ایجاد رژیم امنیت دسته‌جمعی، عوامل واگرا همچون عدم‌ثبات در سیاست خارجی و رقابت میان کشورهای منطقه و عوامل همگرا نقش ایفا می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** رژیم‌ها، منطقه‌گرایی، امنیت دسته‌جمعی، عوامل هم‌گرایی و واگرایی، منطقه غرب آسیا.

## مقدمه

جهان بعد از جنگ سرد با رویکرد تک‌قطبی ایالات متحده در پی جذب قدرت‌های منطقه‌ای در قالب رژیم‌های امنیتی -به‌ویژه ناتو- و تنگ کردن عرصه بر مخالفان است. در این میان کشورهای هستانند که براساس منافع و به‌منظور تأمین امنیت ملی خود -که یکی از کالاهای عمومی است- باید با تهدیداتی که از جانب قدرت‌های بزرگ متوجه آنهاست، مقابله کنند و واکنش مقتضی را از خود نشان دهند. در این میان قاره آسیا از ویژگی‌های خاصی برخوردار است و به عقیده بسیاری از متفکران اساس خصوصیت این منطقه، ثبات‌ناپذیری و زلزله آن است. این ویژگی منجر به آن می‌شود که مقوله امنیت در این منطقه حالت غیردائمی داشته باشد و امکان ایجاد یک سازوکار امنیتی جمعی، امری مشکل به نظر رسد؛ نمونه بارز این زلزله‌ها روی کار آمدن نظام‌های سیاسی متمایل به شرق و غرب است که سیاست‌های ملیشان را به شدت دست‌خوش تغییر می‌کند؛ از طرف دیگر عدم تقارن رویکردهای امنیتی و عدم تجانس کشورها از منظر اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و نژادی وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند.

در این بین امنیت ملی کشورهای منطقه غرب آسیا با تهدیدات و معضلات امنیتی مهمی از جمله دولت‌های درمانده، قدرت‌نمایی گروه‌های افراطی، تروریسم، اختلافات قومی و مذهبی، جنایات سازمان‌یافته و سلاح‌های کشتار جمعی روبه‌رو هستند؛ امروزه این معضلات از سرحدات ملی آنها فراتر رفته و به دغدغه مشترک آنها تبدیل شده است. این امر موجب وابستگی آنها به یکدیگر شده است در نتیجه اقدام جمعی آنها را توجیه می‌کند. وابستگی متقابل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، مقدمه‌ای برای سیر تکاملی جامعه امنیتی متکثر است (Flemes, 2005:3).

ایالات متحده با القای این تفکر که امنیت ملی کشورهای منطقه از امور بیرونی (تهدید کشورهای یاغی) ناشی می‌شود و با دامن‌زدن به دشمنی کشورها، نسبت به انعقاد

- 
- 1 Common Goods
  - 2 failed states
  - 3 interdependence

قراردادهای امنیتی و نظامی به اصطلاح دوجانبه با کشورهای منطقه به‌ویژه اعراب می‌پردازد که در واقع تأمین‌کنندهٔ نفوذ خود در منطقه است. در این بین جمهوری اسلامی ایران که بعد از انقلاب کراراً به منطقه‌گرایی تأکید داشته است، عمده تهدیدات منطقه‌ای را حضور بیگانگان در این منطقه می‌داند؛ از این رو بر ایجاد رژیم امنیت منطقه‌ای تأکید داشته است. (جوادی ارجمند و چابکی، ۱۳۸۹: ۵۲)؛ بنابراین کشورهای منطقه غرب آسیا باید دریابند که گردآمدن آنها در قالب سازوکار منطقه‌ای می‌تواند آنها را در مقابل تهدیدات امنیتی فراگیر که پیش‌تر صرفاً یک مسئلهٔ درون‌مرزی تلقی می‌شد یاری رساند. در این مسیر عوامل پیوندساز همچون قرابت ریشه‌های فرهنگی، مذهبی، نژادی، زبانی و... در بین کشورهای منطقه می‌توانند نقش مقوم را ایفا کنند؛ در مقابل عواملی ممکن است وجود داشته باشند که مانع تحقق چنین هدفی شوند؛ عواملی مانند اختلاف منافع کشورها، تفاوت در درک خطر، دلایل سیاسی یا اقتصادی می‌توانند کشورها را از حضور در یک ائتلاف بازدارند (Colombier, et.al, 2009:1).

رژیم امنیت دسته‌جمعی، نظامی است که پس از تأسیس جامعهٔ ملل به وجود آمد و با تأسیس سازمان ملل متحد گسترش یافت. نظام امنیت دسته‌جمعی نیازمند یک ساختار حقوقی و تشکیلاتی است مشتمل بر تحریم تجاوز، تعهد دولت‌ها دایر بر همکاری و اعطای صلاحیت به یک سازوکاری است که معین کند علیه کدام کشور اقدام جمعی تنبیهی به کار گرفته شود. بر اساس اصول منشور ملل متحد کاربرد زور در روابط بین‌الملل ممنوع است و بر این قاعدهٔ آمره کلی، دو استثنا وارد شده است؛ یکی بر اساس امنیت دسته‌جمعی است که از طریق صدور قطعنامه‌های لازم‌الاجرا و کاربرد جمعی زور توسط ملل متحد صورت می‌پذیرد و دیگری حق ذاتی دفاع مشروع مبتنی بر ماده ۵۱ که در پاسخ به یک تهاجم مسلحانه توسط کشور قربانی صورت می‌پذیرد. ایجاد رژیم امنیت دسته‌جمعی باعث می‌گردد تا صلح و امنیت بین‌المللی به خطر نیفتد و امنیت دولت‌های مشارکت‌کننده تأمین گردد (فرشاسعید و عیسی‌زایی، ۱۳۹۴).

مطابق با فصل هشت منشور سازمان ملل متحد، کشورها می‌توانند از طریق نظام امنیت دسته‌جمعی با توجه به اصول سازمان ملل در راستای حفظ امنیت خود اقدام کنند؛ برای مثال ناتو و یا سازمان همکاری شانگهای با توجه به اهداف خود که بر اصل عدم مداخله و احترام به حاکمیت کشورها و مقابله با تهدیدات امنیتی منطقه مثل مبارزه با مواد مخدر و تروریسم با همکاری منطقه‌ای شکل گرفته‌اند. با توجه به این مطالب آنچه محققان را بر آن داشت تا این موضوع را مورد کنکاش قرار دهند این است که «چرا کشورهای غرب آسیا تا به حال نتوانسته‌اند رژیم امنیتی و یا سازوکاری برای تحلیل و رفع مسائل خود ایجاد کنند و آیا ظرفیت‌های لازم برای ایجاد رژیم امنیت دسته‌جمعی در منطقه غرب آسیا وجود دارد؟» یافتن پاسخ این پرسش مستلزم بررسی عوامل پیوندساز و اگر در میان کشورهای منطقه است تا با شناسایی این عوامل، خلأ وجود رژیم امنیتی آشکارتر شود؛ از این طریق است که می‌توان معضلات امنیتی جمهوری اسلامی ایران را که بخشی از آن ناشی از عدم همکاری کشورهای منطقه برای کنترل تهدیدات امنیتی است تبیین کرد؛ بدیهی است بدون شناخت عوامل هم‌پایه‌ساز و جدایی‌ساز رسیدن به اجماع در شکل‌گیری یک سازوکار امنیت منطقه‌ای غیرممکن خواهد بود.

## مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

### ۱. پیشینه تحقیق

بررسی محققان این پژوهش نشان می‌دهد تاکنون تحقیقی مشابه عنوان مقاله حاضر صورت نپذیرفته است؛ با این وجود چند مورد مطالعه در مورد مسائل امنیتی کشورهای پیرامون ج.ا.ایران انجام شده که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

سعید تائب و حسین خلیلی «اولویت‌های امنیت‌سازی در خلیج فارس با رویکرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» که در فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره هشت به سال ۱۳۸۶ منتشر شده است. این طرح با هدف بررسی و احصای شاخصه‌ها و عوامل مهم اثرگذار در نظم منطقه‌ای خلیج فارس برای پاسخ به سؤال چیستی اقدامات

همگرایی و اولویت‌های امنیت‌سازی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس در نهایت به این نتیجه رسیده است که مؤلفه‌های دفاعی-امنیتی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی در امنیت‌سازی منطقه بالاترین اولویت را دارند؛ آنچه از این مقاله در تحقیق حاضر استفاده شده، شناسایی و تبیین مواضع ج.ا.ایران در الگوی امنیتی‌اش است.

علی آدمی و نیما رضایی در مقاله «ماهیت و ابعاد رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا» که در فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام زمستان ۱۳۹۵ - شماره ۲۱ چاپ شده نشان داده‌اند که علت اصلی شکل‌دهی رژیم ضمنی و غیررسمی امنیت منطقه‌ای تحت عنوان «محور مقاومت» توسط جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا متشکل از بازیگران دولتی و غیردولتی مانند سوریه، حزب الله لبنان، گروه‌های چندگانه مقاومت در عراق، انصارالله یمن، جنبش صابرین، جنبش جهاد اسلامی و حماس در فلسطین این است تا بتواند امنیت نسبی خود و متحدان را افزایش دهند و در نتیجه بقای خود و دیگر اعضای رژیم در مقابل تهدید ایالات متحده و دیگر تهدیدات منطقه‌ای حفظ کنند.

مقاله کامران طارمی با عنوان: «دیدگاه‌ها و سیاست‌های ایران در مورد امنیت در خلیج فارس: خاستگاه‌ها، تحولات و ناکامی‌ها» در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در شماره ۱۱ به تاریخ ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است. این مقاله با هدف بررسی دلایل مخالفت ایران با مشارکت قدرت‌های خارجی در ترتیبات خلیج فارس در پی پاسخ به این سؤال است که دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در مورد امنیت خلیج فارس کدامند و این دیدگاه تحت تأثیر چه عواملی شکل گرفته‌اند؟ این مقاله در نهایت بعد از بحث پیرامون این موضوع نتیجه می‌گیرد که سیاست‌های ایران در این زمینه با عدم توفیق همراه بوده است؛ از این طرح نیز در تبیین رویکرد جمهوری اسلامی ایران به یکی از چالش‌های امنیتی خود یعنی حضور بیگانگان در منطقه بهره گرفته‌ایم.

## ۲. مفهوم شناسی و تاریخچه

### - رژیم‌ها

مهم‌ترین و منسجم‌ترین تعریفی که از رژیم ارائه شده است متعلق به «استفان کراسنر» است. وی رژیم‌ها را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری «صریح یا ضمنی» که انتظارات بازیگران را در یک حوزه معین به یکدیگر نزدیک می‌کند. اصول، باورهای مربوط به واقعیت، علیت و صحت هستند. هنجارها، استانداردهای رفتاری برحسب حقوق و تکالیف هستند. قواعد، تجویزها یا ممنوعیت‌ها (امر و نهی‌ها) خاص برای کنش‌ها هستند. رویه‌های تصمیم‌گیری، رویه‌های غالب برای ساخت و اجرای تصمیمات هستند» (Krasner, 1983:2).

### - منطقه

منطقه سرزمین چند کشور و یا شمار محدودی از دولت‌های هم‌جوار است که به لحاظ جغرافیایی و روابط ژئوپلیتیکی و میزانی از وابستگی متقابل با هم پیوند و منافع مشترک دارند و در آن زمینه به همکاری و تعامل سازمان‌یافته در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی برای حرکت به سمت همگرایی مبادرت می‌ورزند. منطقه‌گرایی فرایند فعلیت بخشیدن توان بالقوه منطقه در جهت همگرایی یا فرایند همگون سازی در زمینه‌های مختلف است که بیشترین همکاری و هماهنگی بین دولت‌ها در درون یک منطقه را به‌طور رسمی و نهادی به دنبال داشته است (Lombaerde, 2009: 8).

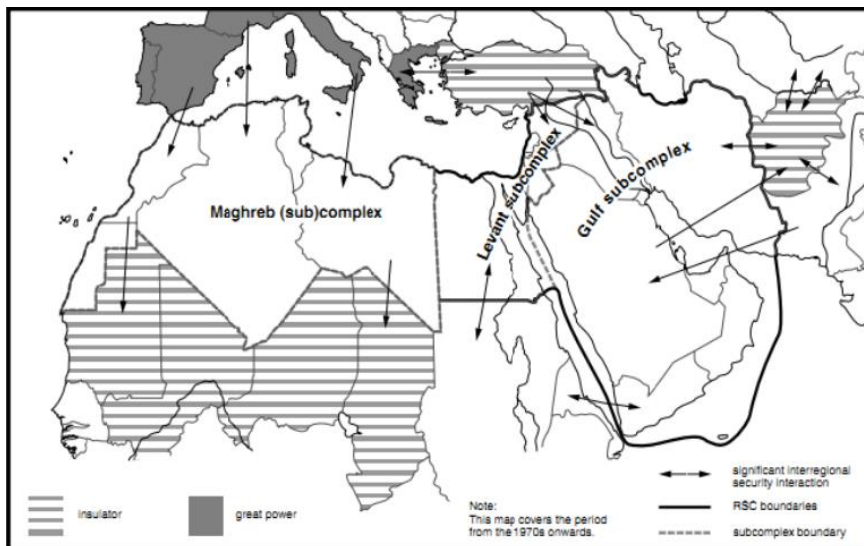
### - رژیم‌های منطقه‌ای

رژیم‌های منطقه‌ای را می‌توان یک نوع «ائتلاف» یا به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول ضمنی و صریح هنجارها و روش‌های تصمیم‌گیری در نظر گرفت که در آن انتظارات بازیگرانی از یک منطقه خاص تضمین و تأمین می‌شود (Keohane, 2005: 57). درحالی‌که رژیم‌های منطقه‌ای به‌عنوان بازیگران مستقل در نظر گرفته می‌شوند؛ اما عوامل مادی و اقتصادی و نظامی به‌عنوان تنها منبع نفوذ آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود؛ در این میان رژیم‌های منطقه‌ای با ایجاد کانال‌های اطلاعاتی به ساخت روابط متقابل کمک می‌کنند. دولت‌هایی که حجم

بیشتری از اطلاعات را در اختیار هم‌تایانشان در منطقه قرار دهند. در جایگاهی فراتر از خود قرار می‌گیرند؛ همچنین میزان نهادینه‌سازی، تعیین‌کننده میزان تأثیر یک نهاد بر رفتار دولت‌هاست. رژیم‌های منطقه‌ای با سطح پایینی از مشروعیت و شناخت، ظرفیت نهادی لازم را برای اتصال دولت‌ها و هنجارسازی و تعبیه قوانین تجویزی را ندارند؛ در نتیجه دولت‌ها می‌توانند به راحتی صلاحیت آن را نقض کنند (Fauzisyah, 2018:9).

### - امنیت منطقه‌ای

منطقه از منظر امنیتی به سطحی اشاره دارد که کشورها و دیگر واحدها در آن به صورت مؤثری به یکدیگر نزدیک هستند که نمی‌توان امنیت آن‌ها را از هم جدا دانست. منطقه جایی است که بیشتر انفعالات امنیت ملی و جهانی آنجا اتفاق می‌افتد. بوزان و ویور معتقدند منطقه غرب آسیا را یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دانسته‌اند که شامل سه زیرمجموعه مجزای «خلیج فارس»، «شامات» و «مغرب» است. شامات شامل سوریه، لبنان، اردن، رژیم صهیونیستی، فلسطین و مصر می‌گردد. زیرمنطقه مغرب نیز شامل لیبی، تونس، الجزایر و مراکش می‌شود. زیرمجموعه خلیج فارس هم شامل دولت‌های ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات، عمان و یمن است (Buzan, et.al, 2003:189).



شکل ۱ - رژیم‌های امنیتی در منطقه غرب آسیا و زیرمجموعه‌های آن

### ۳. هستی‌شناسی امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای

از جمله طرح‌هایی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ارائه شده است طرح امنیت دسته‌جمعی است. امنیت دسته‌جمعی به معنای مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد برای حفظ ثبات بین‌الملل و جلوگیری از تجاوز است؛ به عبارت دیگر امنیت دسته‌جمعی به یک سیستم منطقه‌ای و یا جهانی اطلاق می‌شود که هر یک از دولت‌های شرکت‌کننده در آن، این واقعیت را پذیرفته‌اند که امنیت هر یک در گرو امنیت دیگری است. قبل از تأسیس سازمان ملل بارقه‌هایی از مفهوم نظام امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای به چشم می‌خورد. اولین بار در کنفرانس حفظ، حمایت و بازگرداندن صلح بود که معاهده‌ای بر اساس دکترین عدم مداخله مونرو در قاره آمریکا به تصویب رسید؛ اما در سطح جهانی برداشت از این مفهوم به گونه‌ای دیگر بود و امنیت دسته‌جمعی را به معنای تعادل قوا می‌دانستند که باید قدرت برتر نظامی جهان، آن را اعمال می‌کرد (Abass, 2005: 119).

مفهوم امنیت دسته‌جمعی در ابتدا به عنوان رکن اصلی ایجاد جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ مورد توجه قرار گرفت. جامعه ملل، گام بلندی را برای تشکیل رسمی عناصر رژیم امنیت دسته‌جمعی، از قبیل تعهدات قراردادی، صلاحیت، اقتدار سازمانی و تشریفات برداشت؛ ولی در اثر عوامل مختلف از جمله مخالفت سنای آمریکا با عضویت این کشور در جامعه ملل، عدم عضویت شوروی، اختلاف بین فرانسه و انگلیس در مورد چگونگی برخورد با آلمان و نبود اتفاق نظر که لازمه سیستم امنیت دسته‌جمعی بود و عدم اتخاذ تدابیر اجرایی و فهری در مورد حمله دو کشور ژاپن به منچوری سال ۱۹۳۱ و ایتالیا (موسولینی) به اتیوپی و پیش گرفتن سیاست آشتی و دادن امتیاز به متجاوز، اعتماد به امنیت دسته‌جمعی را از بین برد (مقتدر، ۱۳۷۰: ۳۶۳). به دنبال ایجاد سازمان ملل و سپردن بخشی مأموریت صیانت از صلح و امنیت بین‌المللی به زیرسیستم‌های منطقه‌ای (فصل هشت منشور) فرایند منطقه‌گرایی در مناطق مختلف جهان آغاز شد. در ابتدا کشورهای اروپایی فرایند همگرایی خود را برای ایجاد یک رژیم منطقه‌ای آغاز کردند؛ سپس این فرایند هنجارسازی در مناطقی از آفریقا و شرق آسیا ادامه یافت؛ اما در غرب آسیا با وجود



ظرفیت‌های لازم، عزم جدی برای تحقق این فرایند وجود نداشت (جعفری ولدانی، ۱۳۸۴: ۹۸). با پایان جنگ سرد، نوع متفاوتی از رژیم‌های همکاری‌های درون منطقه‌ای در حوزه‌ای مختلف هویدا شد. در فرایند جدید چهار بعد «کارگزاری، انگیزه‌ها، جهت‌گیری و گستره» با سازوکارهای دوران جنگ سرد متفاوت است (Hettne, 1999-2001: 19). در منطقه‌گرایی جدید، این چهار بعد اصلی دچار تحول و تغییر شده است:

(۱) **از نظر کارگزاری؛** دیگر نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در ایجاد سازوکارهای نهادی کم‌رنگ شد و طیف وسیعی از بازیگران (دولتی، فردی و گروهی) در منطقه‌گرایی نقش ایفا می‌کنند.

(۲) **از نظر انگیزه و هدف؛** دیگر منطقه‌گرایی تک‌بعدی و دارای یک متغیری نیست بلکه منطقه‌گرایی یک نوع همگرایی چندبعدی و چندوجهی است که شامل رژیم‌های تجاری و فرهنگی و ائتلاف‌های نظامی - امنیتی می‌گردد.

(۳) **از نظر جهت و خط سیر؛** منطقه‌گرایی نوین از بالا به پایین و سیطره قدرت از سوی دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی تحمیل نمی‌شود؛ فلذا بازیگران از جبر ساختاری سنتی پیروی نمی‌کنند.

(۴) **از منظر قلمرو و گستره؛** منطقه‌گرایی جدید محدود به منطقه جغرافیایی اولیه نمی‌شود و رویه‌ها و تصمیمات به‌عنوان یک هنجار پذیرفته جهان‌شمول درمی‌آید (Tavares, 2004:40).

براین اساس، امکان برقراری امنیت در هر بلوک منطقه‌ای بر دو فرض استوار است که اولاً کاهش رقابت و ابرقدرت موجب کاهش کیفیت نفوذ منافع قدرت جهانی در دیگر مناطق شده است؛ ثانیاً اغلب قدرت‌های بزرگ بعد از پایان جنگ سرد به دلیل مسائل داخلی خود به مداخله نظامی در نقاط مختلف نمی‌پردازند و به یک قدرت معتدل تبدیل شده‌اند (Buzan, et.al, 2003:7-11). منطقه‌گرایی با هدف تمرکززدایی از قدرت نهادهای بین‌المللی و مداخله کشورهای منطقه در حل معضلات امنیتی خودشان انجام می‌شود؛ اما در رابطه با اینکه منطقه‌گرایی چه کارایی دارد دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. برخی

اعتقاد دارند که رژیم‌های منطقه‌ای نسبت به سازمان ملل از توانایی اندکی برای حل بحران‌های امنیتی منطقه‌ای برخوردارند. آن‌ها معتقدند که منطقه‌گرایی یک موضوع نیم‌بند و تازه به وجود آمده است و یک ابزار سیاسی مؤثر برای هدایت تصمیمات فصل هشتم منشور سازمان ملل نیست. توانایی ساختاری سازوکارهای منطقه‌ای تا حدی ضعیف است که نمی‌توانند نمایندگی حفظ صلح و امنیت را داشته باشند. وجود رقابت‌های منطقه‌ای، عدم تکافوی منابع و پیرو یک بخش یا یک گروه خاص بودن در رژیم‌های منطقه‌ای حتی بعد از پایان جنگ سرد نیز این تردید را چه در رابطه با خواست و چه توان حل بحران‌های منطقه‌ای از سوی این سازمان‌ها برطرف نکرده است (Boulden, 2003: 86).

رژیم‌های منطقه‌ای را باید به‌عنوان اتحادها یا ترتیبات دفاع دسته‌جمعی قلمداد کرد. از نظر حقوقی، سطح و درجهٔ اجماع دول منطقه به این مسئله بستگی دارد که تا چه اندازه علاقه به بهره‌گیری از یک نظام امنیت دسته‌جمعی در قالب سازوکار بین‌المللی با هدف مدیریت تحولات و موازنهٔ قدرت هستند. دستیابی به اهداف یا منافع مشترک کشورهای منطقه مستلزم شناسایی عوامل هم‌گرا و واگرا در درون محیط ملی آن‌ها و تعیین نحوهٔ همکاری است.

#### ۴. عوامل هم‌گرا و واگرا در منطقه غرب آسیا

یکی از الزامات ایجاد «رژیم‌های منطقه‌ای» بین کشورهای در حال توسعه در کل و به‌ویژه در منطقه غرب آسیا این است که کشورهای منطقه به همکاری با ابرقدرت‌های خارج از منطقه متکی نباشند. تاریخ گواه این است که هیچ‌گاه دول خارج از منطقه حافظ امنیت آن نبوده و امپراتوری انگلستان طی دو قرن تا سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم با تکیه بر عوامل واگرا درون منطقه‌ای توانست تسلط خود را حفظ کند (تائب و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

#### الف) عوامل واگرا

عواملی که برای تشکیل یک «رژیم‌های منطقه‌ای» مانع و شکاف محسوب می‌شوند عبارتند از: ۱- تفاوت منافع کشورها؛ ۲- تفاوت در درک خطر؛ ۳- دلایل سیاسی یا

اقتصادی که می‌توانند کشورها را از حضور در یک سازوکار یا ائتلاف بازدارند؛(Colombier, et.al, 2009:1) همچنین بی‌طرفی کشورها نسبت به «رژیم‌های منطقه‌ای» خود بخشی از مشکل است؛ چراکه برای حل بحران، حضور فعال کشورهای متعارض در یک ائتلاف، دارای اهمیت بسزایی است. این موضوع همراه با اعلام بی‌طرفی کشورهای دورتر از منازعه اما عضو در نهادهای منطقه‌ای موجب بروز سوءظن نسبت به دست داشتن آن‌ها در منازعه می‌شود (Boulden,2003:87)؛ به‌علاوه عناصر درون منطقه به شدت تحت تأثیر عواملی مانند: ۱. هرج و مرج و تهدید دائمی و تروریسم؛ ۲. عدم پذیرش یک حداقل اصول برای هدایت روابط؛ ۳. فقدان یک نهاد فرا دولتی که روابط بین دولت‌ها را تنظیم کند قرار دارد (Kaim, 2008:6). عدم تمایل برای سرمایه‌گذاری لازم یکی از معضلات دیگری که در مسیر ایجاد «رژیم‌های منطقه‌ای» و ایجاد همکاری و مشارکت اعضا وجود دارد. عموماً کشورها این انگیزه را دارند که از سهم کالاهای جهانی مثل صلح و امنیت که با نظام امنیت دسته‌جمعی تولید شده به‌صورت «سواری مجانی» بهره‌مند شوند درحالی‌که از هزینه‌های فراهم آوری آن‌ها طفره روند (J.Delahunty,2007:97). در این ارتباط کشورها ممکن است بر اساس یکی از سه مورد زیر عمل کنند:

۱. در راه یک اقدام جمعی منطقه‌ای سرمایه‌گذاری کنند؛
۲. در مسیر اقدامات حفاظتی ملی سرمایه‌گذاری کنند؛
۳. در مواردی که به امنیت مربوط نمی‌شود سرمایه‌گذاری کنند (Colombier, et.al, 2009:4).

### ب) عوامل همگرا

مفهوم «هم‌گرایی» به‌عنوان یک فرایند، جنبشی است در راستای افزایش همکاری میان دولت‌ها و حرکتی است در راستای همگون سازی تدریجی ارزش‌ها و ظهور یک ساختار جدید؛ به‌عبارت‌دیگر هم‌گرایی فرایندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا، ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به‌سوی

مرکز جدیدی معطوف سازند که نهادهای این مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود می‌گیرند یا وجود چنین صلاحیتی را می‌طلبند (Abbas, 2005:33).

منطقه‌گرایی اغلب با وابستگی اجتماعی مثل نژاد، زبان، مذهب، فرهنگ، تاریخ و میراث مشترک، مثل ایدئولوژی و نوع رژیم و یا وابستگی سازمانی و یا وابستگی‌های اقتصادی پیوند دارد. به‌طور کلی «منطقه» تحت تأثیر عوامل تاریخی، هویتی و فرهنگی دیرپای آن منطقه قرار دارد؛ از این رو «منطقه‌گرایی» می‌تواند با فشار قرابت‌های جغرافیایی، یک مجاورت فیزیکی و تعامل امنیتی در میان همسایگان برقرار کند (Buzan, et.al, 2003:45)؛ بنابراین «ایجاد تعادل» یعنی «تعادل سخت خارجی» و «تعادل نرم داخلی»<sup>۱</sup> از طریق ایجاد رژیم‌های امنیتی منطقه‌ای<sup>۲</sup> میسر می‌شود (Flemes, et.al, 2011:7&8).

ظرفیت‌های حقوقی به‌عنوان یکی از بسترهای مهم هم‌گرایی می‌تواند امنیت را از طریق نرم‌ها و هنجارهای حقوقی که خود کشورهای منطقه برای آن ارزش قائلند ارتقا بخشد (Cuellar, 2004:239).

یکی دیگر از عوامل پیوندساز منطقه‌گرایی «وجود منافع مشترک» بین کشورها است؛ در واقع منافع ملی دولت‌ها، معیار مهم تعیین‌کننده هم‌سویی و یا انحراف از اجرای تعهدات در متابعت از رژیم‌های منطقه‌ای است. به‌طور گسترده وجود رژیم‌های منطقه‌ای پیامد ارتباط بین قدرت، منافع و هویت است و می‌تواند در شکل‌گیری اهداف و ایجاد انگیزه‌های مشترک نقش فعالی داشته باشد. اهداف مشترک سیاسی، تجاری، توسعه بهداشت، حمل‌ونقل و اهداف نظامی را پوشش دهد (Jung Suh, 2007:9).

---

1 balancing

2 external balancing

3 internal balancing

## ۵. وضعیت رژیم‌های امنیتی موجود در غرب آسیا «پتانسیل‌ها و ناکارآمدی‌ها»

رویکردهای امنیتی موجود در منطقه غرب آسیا عمدتاً متناسب با محور تهدیدات سنتی و شرایط خاص دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ تبیین شده است. این رویکرد با تکیه بر نظریه‌هایی همچون «توازن قوا»، «مهار دوجانبه»، «تهدید واهی جمهوری اسلامی ایران» و عمدتاً بر محور «نظام امنیت وارداتی» و مبتنی بر خواست و منافع بازیگران فرامنطقه‌ای استوار است. در شرایط حاضر، چنین رویکردی زمینه افزایش تساعدی تنش و بی‌اعتمادی میان دولت‌های منطقه را فراهم می‌سازد که این روند موجب تصویرسازی و یا سوءبرداشت‌ها از نقش، جایگاه و اهداف کشورهای منطقه نسبت به یکدیگر خواهد شد و واگرایی بیشتری میان آن‌ها را رقم خواهد زد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

ایجاد یک رژیم یا ترتیبات منطقه‌ای در روابط میان بازیگران محیط تغییر ایجاد می‌کند و می‌تواند روابط خصمانه و عداوت را به حداقل رسانده و امنیت بیشتر و منافع مشترکی را هدف‌گذاری کند. از طرف دیگر اتفاق نظر آن‌ها برای تشکیل یک سازوکار مشترک می‌تواند حقوق و وظایف آن‌ها را در یک شکل پایدار به یکدیگر گره بزند (Buzan, et.al, 2003: 155-156).

در طول تاریخ، ابتکارات مختلفی راجع به تشکیل یک رژیم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا مطرح شده است که اغلب آن‌ها از سوی کشورهای فرامنطقه‌ای که منافع خود را در حضور در این منطقه می‌دیدند تجویز شده است. برای نمونه می‌توان به پیشنهاد بریتانیا در اواخر دهه ۱۹۶۰ اشاره کرد. این کشور در پی خروج برخی از نیروهای خود از منطقه، یک نظام امنیت دسته‌جمعی را با عنوان همکاری‌های دفاعی بین کشورهای عربی و ایران پیشنهاد داد که مورد استقبال ایران قرار گرفت. این پیشنهاد با عدم واکنش کشورهای عربی به شکست منجر شد. در سال ۱۹۶۸ ایالات متحده یک طرح مشارکت بین ایران، پاکستان، ترکیه، عربستان و کویت را ارائه داد که در راستای مقابله با بلوک شرق بود که موجب ورود تنش شرق و غرب به غرب آسیا می‌شد که با مخالفت عربستان و کویت به نتیجه نرسید (رحمانی، ۱۳۶۹: ۹۶-۹۷). نکته مشترک شکست تمام این ابتکارات در این است که دولت‌های عربی منطقه به ایفای نقش اول از سوی ایران در سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای

ممکن، با دیده تردید نگریده و آن را تهدید خود تلقی کرده‌اند؛ درحالی‌که رویکرد ایران بر این بوده که منافع مشترک ایران و اعراب منطقه می‌تواند در چارچوب امنیت دسته‌جمعی خارج از چتر آمریکا تعریف شود. نمونه آن را می‌توان در شورای همکاری خلیج فارس مشاهده کرد (تائب و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

از سال ۲۰۰۱ به بعد کشورهای عربی نسبت به تغییر موازنه قدرت در غرب آسیا نگران بوده‌اند. آنان بر این اعتقاد بوده‌اند که به‌جای تکیه بر توسعه دموکراسی، لازم است یک سازوکار دفاعی - امنیتی مشترک را در بین کشورهای عربی منطقه ایجاد تا از حکومت‌های مرکزی آنان در برابر تهدیدات احتمالی حمایت نماید (تائب و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

اوج چنین نگرشی را می‌توان در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس مشاهده کرد. در دو دهه اخیر موضوعاتی چون امنیت و دفاع منطقه‌ای در اجلاس سران اعضای شورای همکاری خلیج فارس مطرح می‌شود. باوجوداینکه شورا به دلیل اختلاف نظر اعضا قادر نبوده سیاست یکپارچه‌ای را در برخورد با ظهور تهدیدات فزاینده توسعه دهد اما توانسته سطح بالایی از اجماع در خصوص لزوم ایجاد سازوکار مشترک امنیت منطقه‌ای را بروز دهد (Kostiner, 2009: 8-9). در نشست فوق‌العاده سران شورای همکاری خلیج فارس در ریاض در سال ۲۰۱۱ توافقنامه‌ای منعقد شد که طبق آن باید یک «رژیم یکپارچه» برای مقابله با چالش‌های امنیتی پیش روی دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس ایجاد شود (Cordesman, 2012: 2). طبق این توافقنامه، دولت‌های عرب منطقه متعهد شدند نسبت به یکدیگر وابستگی متقابل امنیتی داشته و تمایل خود را برای ایفای تعهدات به عمل آورده و این توافق را برای مقابله با تهدیدات خارجی و برقراری امنیت خود به یک اتحاد رسمی امنیتی مبدل سازند (Pollack, 2012: 3-4). در منطقه غرب آسیا اساساً هیچ سازوکاری تحت عنوان «سازمان امنیتی منطقه‌ای» وجود ندارد. ساختارهای موجود - مانند اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و یا سازمان کنفرانس اسلامی - با دو مشکل اساسی روبرو هستند: یا اینکه شامل کشورهای مهم منطقه مانند ایران و عراق نمی‌شوند و یا به

موضوعات امنیت منطقه‌ای توجهی ندارند؛ لذا خلاً یک سازوکار منطقه‌ای در رابطه با امنیت که بتواند تهدیدات مشترک را پاسخگو باشد احساس می‌شود (مولر، ۱۳۸۵: ۵۷). یکی از موضوعاتی که همیشه غرب آسیا را متأثر کرده است حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای حفظ منافع خود و حفظ منافع دولت‌های خودکامه از طریق نظامی جلوه دادن امنیت در این منطقه است؛ به‌طورکلی امنیت نظامی با تعامل دو سطح، یکی توانمندی‌های آفندی و دیگری پدافندی مسلحانه دولت‌ها و دیگری برداشتی که دولت‌ها از نیات یکدیگر دارند سروکار دارد (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵)؛ در واقع این موضوعی است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای از آن برای ترغیب کشورها به خرید تسلیحات، سود می‌برد. این مسئله ناشی از آن است که تهدیدات امنیتی یا رعب از تهدید امنیتی غالباً از همسایگان یک کشور ناشی می‌شود. «مداخله قدرت‌های بزرگ در نظم امنیتی منطقه به دو دلیل است: ۱- داشتن منافع در آن منطقه؛ ۲- تقاضای ابقای نفوذ قدرت در آن منطقه» (Kaim, 2008: 6).

### ۶. قراردادهای امنیتی موجود در منطقه و روابط کنشگران

به دلیل بلا تکلیفی امنیتی در منطقه غرب آسیا، کشورها اغلب دست به انعقاد موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای نظامی - امنیتی می‌کنند که باعث احساس عدم امنیت سایر کشورها می‌شود؛ در مقابل، دولت‌های منطقه هم قراردادهایی منعقد خواهند کرد که هرگونه کسب برتری طرف مقابل را خنثی نماید؛ در نتیجه هر دو طرف احساس عدم امنیت بیشتری نموده و محیط را برای هم‌گرایی مشکل می‌سازند (مولر، ۱۳۸۵: ۵۸).

جدول شماره (۱) موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای نظامی - امنیتی کشورهای منطقه

کشور شاخص	ایران	عراق	سوریه	اردن	عربستان	رژیم صهیونیستی
قراردادها	پیمان دفاعی با سوریه	موافقت‌نامه امنیتی عراق - آمریکا در سال ۲۰۰۸ میلادی، توافق‌نامه همکاری عراق و ناتو	قرارداد تسلیماتی با روسیه و پیمان دفاعی با ایران	توافق‌نامه امنیتی دفاعی ۳۱ ژانویه ۲۰۲۱ با آمریکا	قرارداد تسلیماتی با آمریکا و پیمان دفاعی با کشورهای عربی	قرارداد با ایالات متحده آمریکا، آلمان و ناتو

قراردادهای دوجانبه ایالات متحده با کشورهای عراق و افغانستان و تمدید توافقنامه امنیتی نظامی با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس همگی از نقش امنیتی آمریکا در منطقه خیر می‌دهد؛ لذا با اینکه قرارداد به ظاهر در میان دو کشور مستقل منعقد شده است ولی منافع دیگر هم‌پیمانان به‌ویژه نیروهای ناتو را تأمین کرده است و این موضوع می‌تواند موجب دخالت آن‌ها در مناقشات غرب آسیا نیز شود. موافقت‌نامه ۲۰۰۸ آمریکا با عراق نیز به صراحت در ماده ۴ عنوان می‌کند مأموریت نیروهای آمریکایی حفظ امنیت و ثبات عراق است. این موافقت‌نامه با آن دست از قراردادهایی که ایالات متحده با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس منعقد کرده است یک تفاوت اساسی دارد<sup>۱</sup> و آن هم این است که موافقت‌نامه اخیر در واقع برای ایجاد اتحادهای نظامی منعقد شده‌اند و عنصر قدرت در آن‌ها دارای ارزشی اساسی است؛ چراکه کارکرد این اتحادها برقراری تعادل است؛ در واقع اتحادهای نظامی تهدیدات کشورهای دیگر را دولت‌های عضو هشدار می‌دهند و پیش‌بینی می‌کنند چه اختلافاتی و کدام اختلافات ممکن است منجر به تنش منطقه‌ایی تبدیل شوند (Leeds, 2003:427)؛ البته باید توجه داشت ایجاد سازوکار منطقه‌ای در حوزه امنیتی در منطقه غرب آسیا به معنای پایان یافتن حضور قدرت‌های خارجی در آن نیست بلکه رقابت‌های منطقه‌ای میان بازیگران ممکن است ادامه داشته باشد و حتی دولت‌های منطقه ممکن است برای رفع رقابت و یا ایجاد توازن از قدرت‌های خارجی دعوت کنند. منطقه غرب آسیا با اعضای امروزی خود بعد از پایان جنگ جهانی دوم به وجود آمد و از ابتدا منطقه‌ای پرتنش بود که از جمله آن‌ها می‌توان از اختلاف سرزمینی سوریه و لبنان، اختلاف هاشمیان و سلطنتیان در عربستان و اختلاف فلسطینیان با صهیونیست‌ها یاد کرد. عمده اختلافات امروزی نیز ریشه در وقایع گذشته دارد (Buzan, et.al, 2003:186-187). این

---

1 agreement between the United States of America and the Republic of Iraq on the withdrawal of United States forces from Iraq and the organization of their activities during their temporary presence in Iraq, 2008, available at: [www.fas.org/sgp/crs/natsec/R40011.pdf](http://www.fas.org/sgp/crs/natsec/R40011.pdf)

۲. برای دسترسی به مفاد و بررسی معاهداتی که کشورهای حاشیه خلیج فارس با ایالات متحده منعقد کرده‌اند مراجعه کنید

به سلسله مقالات Kenneth Katzman قابل دسترسی در سایت [www.crs.gov](http://www.crs.gov)



اختلافات به گذشته‌های دور بازمی‌گردند؛ برای مثال اختلاف مرزی لبنان و سوریه در حمله‌ای که سوریه به لبنان در سال ۱۹۷۶ انجام داد ریشه دارد. کشورهای عربی در اجلاس قاهره این حمله را یک عمل انسان دوستانه نامیدند (Abass,2005:198).

در رابطه با وضعیت امنیتی این منطقه باید عنوان کرد که به شکل سنتی در میان کشورهای جهان سوم، واحدهای سیاسی متعدد با درگیری‌های متوالی، چشم‌انداز امنیتی پیچیده‌ای را در این قلمرو ترسیم نموده‌اند که نتیجه‌ای جز پیدایش دولت‌های ضعیف نداشته است (شولتز و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۵۳). برای اینکه بتوان رژیم امنیت منطقه‌ای را تأسیس کرد باید این سؤال را پاسخ داد که منبع تهدید کجاست؟ اگر کشورهای منطقه در پاسخ به این سؤال دارای اشتراک منافع و هدف باشند می‌توان به ایجاد چنین سازوکاری امید داشت؛ اما متأسفانه به دلیل حساسیت و پیچیدگی تحولات منطقه‌ای در آسیا، بازیگران منطقه‌ای فاقد یک استراتژی منسجم و یکپارچه هستند و غالب بازیگران منطقه ناچار به اتخاذ سیاست‌های واکنشی هستند (مرادی، ۱۳۸۵: ۶۶). در حال حاضر همکاری‌های کشورهای غرب آسیا با ناتو، ایالات متحده و دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قالب‌های مختلفی صورت می‌گیرد:

- ۱) شورای همکاری اروپا- آتلانتیک<sup>۱</sup> که در این قالب کشورهای هم‌چون ارمنستان و آذربایجان با سازمان همکاری دارند؛
- ۲) گروه طرف بحث مدیترانه<sup>۲</sup> که رژیم صهیونیستی و اردن در این قالب با ناتو ارتباط دارند؛
- ۳) ابتکار همکاری استانبول<sup>۳</sup> که کشورهای بحرین، قطر، امارات و کویت را شامل می‌شود؛
- ۴) همکاری با نقاط مختلف جهان<sup>۴</sup> که افغانستان، پاکستان و عراق را شامل می‌شود.

---

1EPAC

2NATO's Mediterranean Dialogue

3ICI

4Partners across the globe

برای کسب شناخت ترتیبات امنیتی در منطقه‌ی غرب آسیا ضروری است به تحلیل روابط کنشگران در جهت‌گیری‌ها و تعیین قطب‌های امنیتی توجه کنیم. در نتیجه مطالعه سیاست‌ها و اهداف کنشگران منطقه، معیار خوبی برای برآورد میزان همگرایی‌ها و واگرایی بین آن‌هاست؛ اگر دو کنشگر در تمام کلان موضوع‌ها با یکدیگر تفاهم و همگرایی داشته باشند می‌توانند در یک نهاد امنیتی مشترک قرار بگیرند و اگر دو کنشگر در کلان موضوع‌ها تعارض داشته باشند به هیچ‌وجه قابلیت هم‌نشینی در یک نهاد امنیت دسته‌جمعی نداشته و در تقابل با هم قرار خواهند گرفت. بر این اساس هرچه همگرایی‌ها بیشتر و واگرایی‌ها کمتر باشند سازه امنیت دسته‌جمعی محدود، بخشی و ناپایدار خواهد بود. جدول زیر درجه هم‌گرایی نسبی کنشگران با یکدیگر را نشان می‌دهد. بنا به مبانی تحلیلی این پژوهش، این رقم بین ۸- تا ۸+ تعریف می‌شود که نشان از هم‌گرایی یا واگرایی کنشگران در کلان موضوع‌های امنیتی منطقه دارد.

جدول شماره (۲) روابط بین‌المللی کشورهای منطقه

کنشگران	ایران	ترکیه	عربستان	رژیم ص.	مصر	عراق	قطر	آمریکا	انگلیس	فرانسه	روسیه	اتحادیه
ایران	*	-۱	-۲	-۵	۰	۴	-۱	-۳	-۳	-۲	۳	-۱
ترکیه	-۱	*	۲	۲	۱	-۱	۲	۲	۳	۳	-۱	۲
عربستان	-۲	۲	*	۱	۳	-۱	۳	۲	۲	۲	-۲	۲
رژیم ص	-۵	۲	۱	*	۱	-۱	۱	۴	۳	۴	-۱	۳
مصر	۰	۱	۳	۱	*	۱	۱	۳	۲	۲	۰	۱
عراق	۴	-۱	-۱	-۱	۱	*	۰	۲	۲	۱	۱	۲
قطر	-۱	۲	۳	۱	۱	۰	*	۱	۲	۱	۰	۲
آمریکا	-۳	۲	۲	۴	۳	۲	۱	*	۶	۵	-۲	۵
انگلیس	-۳	۳	۲	۳	۲	۲	۲	۶	*	۴	-۱	۵
فرانسه	-۲	۳	۲	۴	۲	۱	۱	۵	۴	*	۰	۴
روسیه	۳	-۱	-۲	-۱	۰	۱	۰	-۲	-۱	۰	*	-۱
اتحادیه اروپا	-۱	۲	۲	۳	۱	۲	۲	۵	۵	۴	-۱	*

## روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از منظر پارادایم تحقیق از نوع تفسیری است و از نظر رویکرد در زمره تحقیقات کیفی است که در گام اول از روش تحلیل مضمون و سپس محیط‌شناسی استفاده شده است. روش گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و تحلیل متن اسناد بین‌المللی و موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش وضعیت موجود است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی، مفید و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. برای تحلیل مضامین در این تحقیق از روش شبکه‌ی مضامین استفاده شده است. شبکه‌ی مضامین یک روش مناسب در تحلیل مضمون است که آتراید\_استیرلینگ آن را توسعه داده است. نتایجی که بر اساس روش تحلیل مضمون به دست آمده است نشان می‌دهد که آنچه در ابهام امنیتی غرب آسیا نقش بازی می‌کند ناشی از عوامل محیطی است که برای تحلیل محیط نیز نیازمند شناخت نقاط ضعف و تهدیدات محیط منطقه غرب آسیا در ابعاد امنیتی احصا و در جدول شماره (۳) زیر به‌طور اجمال تشریح شد:

<ul style="list-style-type: none"> <li>- وجود قدرت‌های منطقه‌ای چالشگر مانند رژیم صهیونیستی، عربستان</li> <li>- رشد مسابقه تسلیحاتی در منطقه</li> <li>- رشد تفکرات افراط‌گرایانه در منطقه</li> <li>- دخالت و حضور کشورهای فرامنطقه‌ای</li> <li>- وجود نظام سلطنتی و قومی - قبیله‌ای در کشورهای منطقه</li> <li>- وجود بحران مشروعیت و هویت در برخی از کشورهای منطقه</li> <li>- وجود ساختارهای اقتصادی مبتنی بر رقابت تا همکاری</li> <li>- اختلافات سرزمینی یا اختلاف بر سر منابع آبی و تفاوت ایدئولوژی</li> <li>- وجود تنش‌های سیاسی - امنیتی در بین کشورهای منطقه</li> </ul>	<b>نقاط ضعف</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- گرایش‌های نژادی بین کشورهای منطقه و تأثیر آن بر چگونگی همکاری‌ها</li> <li>- عدم همبستگی کشورها به دلیل اختلافات دیرپای دوجانبه</li> <li>- تفاوت تعریف و شناسایی تهدیدات تأثیرگذار بر امنیت منطقه</li> <li>- تفاوت دیدگاه کشورها در حمایت از گروه‌های افراطی و اسلام‌گرای واقعی</li> <li>- به حاشیه راندن ح.ا.ا؛ و وارد کردن قدرت‌های فرامنطقه‌ای</li> </ul>	<b>تهدیدها</b>

طبق تحلیل اسناد و تفسیر آن‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون، مهم‌ترین موانع در شکل‌گیری رژیم امنیتی منطقه نیز به دو دسته عوامل داخلی کشورهای منطقه و اختلافات بین کشورها تقسیم می‌شود. در رابطه با عوامل داخلی کشورهای غرب آسیا به‌ویژه اعراب، اغلب آن‌ها دارای حکومت‌های غیر دموکراتیک، مستبد و متکی به نفت و قدرت‌های بزرگ برای حفظ امنیت خود هستند و به‌این ترتیب نیروهای ضد اسلام، ضد عرب و حامی رژیم صهیونیستی در قلب کشورهای اسلامی حضور پیدا کرده‌اند. در رابطه با اختلافات بین کشورهای منطقه نیز عواملی از قبیل تحریک اقلیت‌های نژادی کشورها توسط یکدیگر مثل کردهای ایران توسط عراق، زیر سؤال بردن مشروعیت یکدیگر و... قابل ذکر است.

### **تجزیه و تحلیل امکان‌سنجی ایجاد رژیم امنیت دسته‌جمعی در غرب آسیا**

پس از پایان جنگ جهانی دوم، رژیم امنیت دسته‌جمعی در منشور ملل متحد در مقایسه با جامعه ملل متمرکزتر شده است؛ با این حال رژیم امنیت دسته‌جمعی کامل نبود؛ زیرا اجرای آن موکول به عقد قراردادهایی می‌شد که طبق ماده ۴۳ منشور، باید بین دولت‌های عضو سازمان ملل متحد و شورا منعقد شود. در این ماده پیش‌بینی شده بود که کشورهای عضو، طبق قرارداد، نیروهای موردنیاز را برای اقدامات نظامی در اختیار شورای امنیت قرار خواهند داد؛ ولی به دلیل فضای حاکم در دوران جنگ سرد، این قراردادها هرگز منعقد نشد؛ بنابراین نیروهای پیش‌بینی شده سازمان ملل در فصل هفتم منشور برای اقدامات فهری هرگز جامه عمل نپوشید. دشواری دیگر، وجود حق وتو بود که بر اساس منشور تنها به پنج عضو شورای امنیت داده شد و به موجب آن، این کشورها می‌توانند مانع اجرای رژیم امنیت دسته‌جمعی شوند. وتو در دوران جنگ سرد کاربرد فراوان داشت و شاهدهی بر ناتوانی سازمان ملل در برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بود. حق وتو سبب می‌شد که رژیم امنیت دسته‌جمعی نه تنها علیه کشورهای بزرگ حتی علیه کشورهای کوچکی که مورد حمایت یکی از قدرت‌های حق وتو دار به اجرا در نیاید.

سازوکارهایی که در سطح منطقه و در میان کشورهای همسایه برای تأمین امنیت ایجاد می‌شوند به معنای قطع حضور کشورهای خارج از منطقه در معادلات منطقه نیست. کشورهای خارج از منطقه نیز اعتقاد دارند که اتفاقات مناطق مختلف بر دیگر بخش‌های جهان تأثیر خواهد گذاشت و نباید نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت بود. در بحران داعش، حتی اقدامات جمهوری اسلامی ایران در برخورد با نیروهای افراطی در منطقه با مخالفت‌های سایر کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان و قطر مواجه شد و اختلافات موجود در چنین وضعیتی که به‌ظاهر حیات بسیاری از کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد نیز بروز می‌کند. اغلب سازوکارهای موجود در میان بازیگران منطقه غرب آسیا داعیه این را دارند که یکی از الگوهای همبستگی‌ساز جمعی را پایه‌ریزی کرده‌اند؛ اما در عمل نه‌تنها نتوانسته در حل بحران‌های منطقه‌ای نقش‌آفرینی کرده و موجب همگرایی شوند، بلکه با سوءبرداشت‌ها از محیط و تهدید قلمداد کردن سایر دولت‌های منطقه سبب تشدید بدبینی کشورها نسبت به هم و واگرایی بیشتر را رقم زده‌اند؛ از این‌رو یکی از عوامل مهم عدم اتفاق نظر برای ایجاد رژیم امنیتی و نظامی در میان کشورهای غرب آسیا، احساس خطر تصنعی است که از طریق کشورهای غربی به بازیگران منطقه القا می‌شود. حتی سازمان‌هایی که در میان برخی از کشورهای منطقه تأسیس شده‌اند خود یکی از عوامل واگرایی کشورهای منطقه به شمار می‌روند؛ چراکه کشورهای عضو آن سازمان، کشورهای غیر عضو را به‌عنوان تهدید امنیتی منطقه محسوب می‌کنند. عوامل واگرایی متعدد دیگری همچون درگیری‌های سرزمینی و ایدئولوژیک میان کشورها در کنار اختلافاتی که در هر یک از کشورها میان گروه‌های حاکم و مردم وجود دارد مانع از تشکیل یک رژیم امنیتی جامع شده است.

القای تهدید و لزوم پیشگیری و مقابله با آن تهدید موجب واگرایی بیشتر کشورها و در نتیجه انعقاد توافقنامه دوجانبه با قدرت‌های فرمانطقه‌ای شده است. این توافقنامه در راستای دستیابی به دو هدف عمده منعقد می‌شوند؛ اولاً حفظ و تأمین امنیت داخلی کشورهای منطقه در مقابله با نیروهای معاند عمده‌تاً داخلی است که از بازمانده‌های

حکومت‌های قبلی هستند و ثانیاً برقراری تعادل در منطقه با استفاده از قدرت‌های فرمانطقه‌ای و ورود آن‌ها به تعاملات امنیتی منطقه.

یکی دیگر از علل واگرایی کشورها، تفاوت در تعریف تهدیدات و خطراتی است که امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و کشورها یکدیگر را به‌عنوان یک تهدید و یا حداقل یک رقیب می‌نگرند و نه یک هم‌پیمان که با آن‌ها در یک جبهه قرار گرفته است. این موضوع سبب شده است که کشورها برای تأسیس رژیم امنیتی منطقه‌ای به توافق نرسند. گرایش‌های نژادی در میان کشورهای اعراب اسلامی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در واگرایی کشورهای غرب آسیا در راه تأسیس یک رژیم امنیتی است. این‌گونه جهت‌گیری‌ها بارها در مجامع اتحادیه عرب و سازمان همکاری خلیج فارس به نمایش درآمده است؛ بنابراین از الزامات اساسی برای تأسیس رژیم امنیتی منطقه‌ای، قائل شدن نقش برای تمام دولت‌های منطقه و تلاش برای تفکیک بین نیروهای افراطی از مفهوم گروه‌های اسلام‌گرای صلح‌طلب در میان افکار کشورهای منطقه غرب آسیاست تا از این طریق تهدیدات واقعی از توهم تهدید بازشناخته شود. با توجه به اینکه عمده کشورهای منطقه در یکی از مهم‌ترین عوامل هم‌گرایی یعنی فرهنگ و دین مشترک هستند با این حال به این عنصر مهم توجه کافی نداشته‌اند و به معیارهای قرآن کریم در حفظ امنیت امت اسلامی توجه کافی نشان نداده‌اند.

ایجاد رژیم امنیتی منطقه‌ای می‌تواند ضمن منافع ملی کشورهای منطقه تأثیرات بین‌المللی نیز داشته باشد و منافع قدرت‌های خارج از منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. این موضوع را می‌توان در رویکرد برخی از سازمان‌های تأسیس‌شده در سطح آسیا مشاهده کرد؛ برای نمونه سازمان همکاری شانگهای برای کنترل تروریسم و تلاش برای بهبود وضعیت افغانستان، توجه جدی نسبت به این کشور معطوف کرده است. باوجود این تلاش‌ها، کشورهای منطقه به دلیل فراهم نشدن نیازهای امنیتی خود توسط ترتیبات امنیتی موجود، صرفاً به سمت قدرت‌های خارج از منطقه متمایل هستند؛ از این رو تعیین «سیاست امنیت دسته‌جمعی» نیازمند همکاری، تعامل و مذاکره به دور از هرگونه حب و بغض و

تمرکز بر عوامل همگراست که می‌تواند از نفوذ و حضور کشورهای فرامنطقه‌ای که با منافع حیاتی کشورهای منطقه در تعارض است جلوگیری کند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مشروعیت حضور آمریکا در قالب توافقنامه‌های دوجانبه با کشورهای منطقه باعث شده است که امکان دستیابی به یک رژیم امنیت منطقه‌ای کاسته شود. در مقابل این حضور نامشروع دو راه وجود دارد: درگام اول ایجاد توازن قدرت در درون منطقه است و دیگری احترام گذاشتن به خواست‌های رقیب. به نظر می‌رسد بهترین شیوه تضمین امنیت منطقه‌ای ایجاد توازن از داخل با تقویت توانمندی‌های خود کشورهاست و در گام دوم توازن با خارج یعنی یافتن هم‌پیمانانی که همان تهدیدی را که ما احساس می‌کنیم آن‌ها هم احساس کنند.

### نتیجه‌گیری

کشورهای غرب آسیا به دلیل عدم ثبات سیاست خارجی‌شان و ناتوانی در اتخاذ مواضع اصولی با توجه به تغییرات محیط پرآشوب منطقه و همچنین تمسک به امنیت وارداتی بعضی حکومت‌ها نتوانسته‌اند اهداف مشترکی را برای نیل به یک امنیت دسته‌جمعی تبیین کنند و این عامل باعث شده که اقدامات سایر کشورهای منطقه را تهدید تصور کنند و یا اینکه وارد رقابت با یکدیگر شوند. این موضوعات باعث شده نسبت به ایجاد یک رژیم امنیتی که یکی از ضروریات دفاع مشترک منطقه‌ای است روی خوش نشان ندهند. تهدید انگاری ایران هسته‌ای به وسیله آمریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان مهم‌ترین معضل امنیتی غرب آسیا و یکی از بزرگ‌ترین تنگناهای جمهوری اسلامی برای ایجاد یک رژیم یا ترتیبات امنیتی با کشورهای منطقه است. حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و وجود پایگاه‌های نظامی در کشورهای منطقه غرب آسیا که امکان کنترل و نظارت آمریکایی‌ها را بر مناسبات دفاعی آن‌ها فراهم می‌کند از دیگر عوامل بازدارنده برای تشکیل چنین سازوکاری است. کشورهای این منطقه با توجه به عدم اطمینان در یک فضای مبهم سیاسی و امنیتی به سر می‌برند که امکان برقراری رابطه با آن‌ها را دشوار می‌سازد و از طرف دیگر موجب تنش در

روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه می‌شود؛ این در حالی است که تاکنون هیچ‌گونه تهدیدی از سوی جمهوری اسلامی ایران متوجه دیگر کشورهای منطقه نبوده و ایران همواره بر گفتمان درون منطقه‌ای و تقویت عوامل همبستگی‌ساز تأکید داشته است. از سوی دیگر عوامل هم‌گرا همچون پیوندهای دینی و فرهنگی و تاریخی که از مهم‌ترین عناصر پیوندساز در غرب آسیا می‌باشند که متأسفانه با اختلافات افکنی برخی بازیگران فرامنطقه‌ای به یک عامل واگرا تبدیل شده است؛ به‌علاوه برخی از کشورهای منطقه به دلیل برداشت نادرست از تفکر شیعی، رغبتی به همکاری با ایران و محور مقاومت ندارند؛ این عامل در کنار اختلافات قومی و نژادی موجود در منطقه و تفاوت در سطح توسعه‌یافتگی دولت‌ها موجب واگرایی بیشتر کشورهای منطقه شده است. عوامل پیوندساز دیگر همچون قرابت جغرافیایی نیز در این منطقه بیش از اینکه یک عامل هم‌گرا باشد، عاملی واگرا است؛ چراکه عمده کشورهای این منطقه اعتقاد دارند کشورهای مجاور آن‌ها در تقویت و تحریک نیروهای مخالف درون سرزمینی و مناطق مرزی آن‌ها مشارکت دارند و موجب عدم ثبات آن‌ها می‌شوند؛ در مجموع می‌توان گفت تهدیدات امنیتی در غرب آسیا غالباً از برساخته تفکر قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اخلاف افکنی در کشورهای منطقه ریشه می‌گیرد؛ لذا تأسیس یک رژیم امنیتی از مطالبات ملت‌های آزاد این منطقه است تا به این وسیله کشورها بتوانند علاوه بر تقویت بنیه‌های امنیتی ملی خود در بازگرداندن صلح و ثبات به منطقه نیز سهیم باشند. تأسیس رژیم امنیتی در این منطقه یکی اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت دسته‌جمعی است که حضور بیگانگان در منطقه را خاتمه خواهد داد.

## پیشنهاد

جمهوری اسلامی ایران تا به حال ابتکار «ایجاد یک رژیم امنیتی دسته‌جمعی و مشترک» را به سایر کشورهای منطقه ارائه و آمادگی خود را برای گفتگو با کلیه کشورهای منطقه



برای یافتن سازوکاری مناسب اعلام کرده است. توفیق طرح ایران برای استقرار یک نظم امنیتی بومی منطقه‌ای در گرو انجام اقدامات زیر است:

- تعیین اصول و هنجارهای مشترک و تقویت پیوندهای هویتی با تمرکز بر ظرفیت‌های دین اسلام؛
- تلاش برای بومی کردن امنیت از طریق ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای و همبستگی اقتصادمحور؛
- تعریف نوع و دامنه همکاری و تعامل میان رژیم امنیت منطقه‌ای و بازیگران فرامنطقه‌ای با هدف تقویت ثبات، امنیت، صلح و رفاه ملت‌ها؛
- رعایت الزاماتی نظیر احترام و اعتماد متقابل، احترام به فرهنگ‌ها و هویت‌ها، عدم مداخله در امور داخلی، رعایت منافع و مصالح ملی و تعیین رژیم صهیونیستی به‌عنوان دشمن مشترک؛
- شفاف‌سازی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای به‌ویژه در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای (توجه به برداشت‌های متناقض از سیاست خارجی ج.ا.ا در این بخش باید مدنظر باشد).

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- آدمی، علی؛ رضایی، نیما (۱۳۹۵)؛ «ماهیت و ابعاد رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۶، ش ۴، ص ۱۲۴.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، «*حقوق سازمان‌های بین‌المللی*»، تهران: مجد.
- تائب، سعید؛ خلیلی، حسین (۱۳۸۶)، «اولویت‌های امنیت سازی در خلیج فارس با رویکرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، س ۸، ش ۳۰، ص ۱۴۵.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۴)، «اتحادیه اروپا و چالش‌های نوین امنیتی در غرب آسیا»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، ش ۱۴، ص ۹۱ - ۱۱۰.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۹)، «هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۰، ش ۱، ص ۳۹-۵۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)؛ «تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی»، *نشریه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۲، ش ۵، ص ۹۹-۱۱۶.
- رحمانی، منصور (۱۳۶۹)، «دورنمای یک امنیت دسته‌جمعی در خلیج فارس»، *مجله سیاست خارجی*، ش ۱۴ و ۱۳، ص ۹۶-۹۷.
- طارمی، کامران (۱۳۸۵)، «دیدگاه‌ها و سیاست‌های ایران در مورد امنیت در خلیج فارس: خاستگاه‌ها، تحولات و ناکامی‌ها»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۱۱، ص ۹۳-۱۱۲.
- طیب، علی‌رضا (۱۳۸۶)، «چارچوب تازه برای تحلیل امنیت»، (باری، بوزان؛ ویور، الی؛ دو ویلد، پاپ)، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فرشاسعید، پرویز و عیسی‌زایی، سیما (۱۳۹۴)، «امنیت دسته‌جمعی و کاربرد زور در حقوق بین‌الملل»، کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی.
- منتقی نژاد، محمدعلی (۱۳۸۶)، «*رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی*»، ج ۱، (شولتز، ریچارد؛ گادسون، روی؛ کوئیستر، جورج)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرادی، منوچهر (۱۳۸۵)، «چشم‌انداز همکاری ایران و اتحادیه اروپا در تأمین ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی»، *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۴، ص ۴۸ - ۹۰.

- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰)، «امنیت دسته‌جمعی در تئوری و عمل»، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.

### ب. منابع انگلیسی

- Ademola, Abass, (2004), "*Regional organizations and the development of collective security*", Oxford, Hart publisher.
- Bilgin, Pinar, (2005), "*Regional security in the Middle East*", New York, Routledge publisher.
- Boulden, Jane, (2003), "*Dealing with conflict in Africa, the united nations and regional organization*", United States of America, Pgrave Macmillan publisher.
- Buzan, Barry; Waeber, Ole, (2003), "*Region and powers, the structure of international security*", New York, Cambridge University press.
- Colombier, Nathalie; Masclet, David; Mirza, Daniel; Montmarquette, Claude, (2009), "Global security policies against terrorism and the free riding problem: an experimental approach", *scientific series Cirano*, No 14 .P. 1-7.
- Fauzisyah, Vikar (2018), "*China and UNCLOS: An inconsistent relationship, MSc Political Science: Nationalism, Ethnic Conflict and Development*", Leiden University.
- Flandes, Daniel, (2005), "Creating a regional security community in southern Latin America: the institutionalization of the regional defence and security policies", *working papers global and areas studies*, No 13, P. 3.
- Flandes, Daniel; Costa Vaz, Alcides, (2011), "Security policies of India, Brazil and south Africa regional security contexts as constraints for a common agenda", *GIGA work papers*, No 160P. 7-8.
- Florentino Cuellar, Mariano, (2004), "Reflections on sovereignty and collective security", *Stanford journal of international law*, No 40, P. 239.
- Hettne, Bjorn (2003), "*The New Regionalism Revisited*", in Fredrik Soderbaum and Timothy Shaw Neds. *Theories of New Regionalisms: a Palgrave Reader*, London: Macmillan.
- J. Delahunty, Robert, (2007), "Self-defense and the failure of the United Nations collective security system", *legal studies research paper of university of St. Thomas school of law*, No 70-10, p.97.
- Jung Suh, Jae, (2007), "*Power, interest and identity in military alliances*", New York, Palgrave Macmillan publisher.
- Kaim, Markus, (2008), "*great powers and regional orders*", Hampshire, Ashgate publisher.
- Keohane, R. O. (2005), "*After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*". Princeton: Princeton University Press.
- Tavares, Rodrigo (2004), "*The State of the Art of Regionalism: The Past/ Present and Future of a Discipline*", available at: Unpanl. Un. org/ intradoc/ groups/ public/ documents/ Nispacee/ UNPANO.

## ج. سایت‌ها

- [www.isrjournals.ir](http://www.isrjournals.ir)
- [www.csr.ir](http://www.csr.ir)
- [www.nato.int](http://www.nato.int)
- [www.whitehouse.gov](http://www.whitehouse.gov)
- [www.fas.org](http://www.fas.org)